

بررسی نکات تربیتی و اخلاقی سوره علق

حمیده عرفانیان^۱

چکیده

سوره علق به عنوان نخستین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم (ص)، نقطه آغاز رسالت الهی و بستری برای تبیین اصول اساسی تعلیم و تربیت اسلامی است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می توان از مضامین این سوره، مبانی و هشدارهای تربیتی و اخلاقی را در جهت رشد شخصیت انسان استخراج نمود. اهداف تحقیق عبارت است از واکاوی نقش تعلیم و تعلم در آغاز سوره، تحلیل آسیب های اخلاقی ناشی از طغیان و استغنا در میانه سوره، و تبیین بازگشت به خداوند به عنوان راهبرد نهایی تربیتی در پایان سوره. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعه کتابخانه ای انجام شده و از منابع تفسیری معتبر همچون المیزان، مجمع البیان و نمونه، به همراه شواهد روایی و اخلاقی بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که سوره علق با تأکید بر خواندن و آموزش، بنیان تربیت صحیح را بنا می نهد؛ با هشدار نسبت به پیامدهای استغنا و طغیان، خطر انحراف اخلاقی را گوشزد می کند؛ و نهایتاً با دعوت به سجده و قرب الهی، راهکار عملی اصلاح فرد و جامعه را ارائه می دهد. این سوره الگویی جامع برای حرکت انسان از جهل به سوی عبودیت و تعالی معنوی ترسیم می کند.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی، تعلیم و تربیت، سوره علق، طغیان، قرب الهی.

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (ساوه).

مقدمه

سوره علق به عنوان نخستین سوره‌ای که بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد، آغازگر جریان وحی و نقطه عطفی در تاریخ تربیت اسلامی است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی دقیق و علمی نکات تربیتی و اخلاقی موجود در این سوره است؛ نکاتی که نه تنها مبانی تعلیم و تربیت اسلامی را آشکار می‌سازد، بلکه راهنمایی برای اصلاح فردی و اجتماعی انسان‌ها در بستر وحی الهی فراهم می‌آورد. اهمیت موضوع در آن است که سوره علق با طرح مسائلی چون نقش تعلیم و تعلم، هشدار نسبت به طغیان ناشی از استغنا، و دعوت به بازگشت و سجده، الگویی جامع برای رشد شخصیت و تعالی معنوی ارائه می‌دهد.

پیشینه پژوهش در این حوزه نشان می‌دهد که تاکنون بیشتر به کلیات تربیتی در قرآن پرداخته شده و کمتر پژوهشی به واکاوی جزئیات تربیتی و اخلاقی سوره علق اختصاص یافته است:

1. قربانی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی تربیت در آیات نخستین قرآن» با نگاهی کلی به سوره علق، بر اهمیت تعلیم و تربیت در شکل‌گیری تربیت اسلامی تأکید کرده است؛ اما جزئیات اخلاقی سوره را بررسی نکرده است.
2. میرسید (۱۴۰۰) در «مبانی و روش‌های تربیتی در قرآن کریم؛ بررسی موردی سوره علق» چارچوبی برای فهم روش‌های تربیتی ارائه کرده، اما کمتر به کاربردهای اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته است.
3. احمدی (۱۳۹۵) در مقاله «نقش اخلاق در تربیت اسلامی» جایگاه اخلاق در آموزه‌های اسلامی را تحلیل کرده، ولی به طور خاص به سوره علق و ارتباط آن با اخلاق تربیتی نپرداخته است.

بررسی این پیشینه‌ها نشان می‌دهد که پژوهش حاضر در مقایسه با تحقیقات قبلی از دو جهت نوآوری دارد: نخست آن که با تمرکز ویژه بر سوره علق، ابعاد تربیتی و اخلاقی این سوره را به صورت منسجم واکاوی می‌کند؛ دوم آن که با بهره‌گیری از منابع تفسیری، قرآنی و روایی، راهکارهای کاربردی برای اصلاح فرد و جامعه در پرتو آموزه‌های سوره علق ارائه می‌دهد. از این رو، انجام این پژوهش ضرورتی علمی و کاربردی دارد که می‌تواند به غنای مباحث تربیتی و اخلاقی قرآن پژوهی بیفزاید.

1. مفهوم‌شناسی

1-1. واژه «تعلیم» در لغت

واژه «تعلیم» از ریشه «ع ل م» گرفته شده و به معنای آموختن و آموزش دادن است. در قرآن کریم به‌طور مکرر آمده و به فرآیند انتقال علم و دانش اشاره دارد.^۲ این واژه تأکید دارد که تعلیم یک فرآیند دوطرفه بین معلم و متعلم است و بدون آمادگی ذهنی و ظرفیت دریافت یادگیرنده، فرآیند یاددهی کامل نمی‌شود. در فرهنگ لغت فارسی، تعلیم به معنای دادن دانش و آموختن معارف مختلف به دیگران تعریف شده است.^۳ ابن منظور در لسان العرب توضیح می‌دهد که «عَلَّمَ» به معنای آموزش دادن به‌صورت نظام‌مند، منظم و دقیق است و هم‌خانواده‌های آن مانند «تَعَلَّمَ» و «تعلیم» بر استمرار و هدفمند بودن فرآیند یادگیری دلالت دارند.^۴ در متون دیگر، تعلیم با مفاهیمی چون پرورش عقل، آماده‌سازی ذهن برای استدلال و تحلیل عمیق همراه شده است.^۵ به این ترتیب، لغت تعلیم در متون معتبر نشان می‌دهد که یادگیری صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه به‌کارگیری صحیح دانش و پرورش توانایی‌های فکری و ادراکی ذهن انسان نیز مدنظر است و پایه‌ای برای رشد انسان در همه ابعاد محسوب می‌شود.

1-2. تعریف اصطلاحی «تعلیم»

تعلیم در دیدگاه اسلامی فراتر از آموزش صرف است و به معنای رشد همه‌جانبه انسان، به ویژه رشد اخلاقی و معنوی می‌باشد.^۶ در منابع تربیتی، تعلیم به‌عنوان فرآیند نظام‌مند آموزش و یادگیری شناخته می‌شود که هدف آن رشد شخصیت، ارتقای اخلاق و توانمندسازی افراد برای زندگی بهتر است.^۷ در اصطلاح تفسیری و علمی، تعلیم به معنای هدایت انسان به سوی کمال فکری، اخلاقی و عملی تعریف شده است.^۸ تعلیم فرآیندی چندبعدی است که شامل یادگیری، درک مفاهیم، تفکر انتقادی و کاربرد عملی دانش می‌شود. سیوطی می‌افزاید که تعلیم یک فرآیند مستمر و هدفمند است که انسان را برای تصمیم‌گیری صحیح، حل مسائل و

^۲ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۵

^۳ دهخدا، لغت نامه، ج ۸، ص ۲۹

^۴ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۳۳

^۵ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۹۷

^۶ مطهری، انسان کامل، ص ۱۲۳

^۷ جهانگیری، اصول و فنون تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۴۵

^۸ سیوطی، الجامع للعلوم والحکم، ص ۱۲۰

رشد معنوی آماده می‌کند.^۹ این تعریف، تعلیم را از صرف آموزش علمی جدا کرده و آن را به فرآیندی جامع و تربیتی تبدیل می‌کند. بر اساس متون تفسیری، تعلیم دارای سه رکن اصلی است: انتقال دانش و اطلاعات صحیح درک – تحلیل مفاهیم و معانی – کاربرد عملی و تربیتی دانش. این سه رکن نشان می‌دهد که تعلیم در اصطلاح علمی و تفسیری پایه‌ای برای رشد فکری و اخلاقی انسان است و زمینه‌ساز رفتار صحیح و زندگی معقول می‌باشد.^{۱۰} همچنین تعلیم در اصطلاح تفسیری، آماده‌سازی انسان برای فهم حقایق و بهره‌برداری درست از دانش را شامل می‌شود و به‌نوعی فرایند همه‌جانبه هدایت انسان به سوی کمال محسوب می‌گردد.

3-1. «تعلیم» در قرآن و سیره نبوی

در قرآن کریم، تعلیم همواره با هدایت مستقیم الهی مرتبط است. آغاز سوره علق با فرمان «اقرأ باسم ربك» نمادی از شروع تعلیم الهی و هدایت انسان به سوی رشد فکری و معنوی است.^{۱۱} این فرمان الهی بیانگر آن است که اولین گام در تربیت انسان، کسب دانش و آگاهی است و همزمان رشد فکری، اخلاقی و معنوی او را هدف گرفته است. سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نشان می‌دهد که تعلیم واقعی باید هم دانش و هم بینش و عمل صحیح را شامل شود تا انسان به رشد همه‌جانبه برسد.^{۱۲} این آموزه تأکید می‌کند که تعلیم ابزاری برای پرورش جامع انسان در ابعاد فکری، اخلاقی و معنوی است. در سیره پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع)، تعلیم با تمرکز بر فهم، تعقل و کاربرد عملی دانش همراه بوده است، به‌گونه‌ای که فرد نه تنها اطلاعات علمی کسب می‌کند، بلکه توان تحلیل مسائل، تصمیم‌گیری درست و رشد معنوی و اخلاقی نیز پیدا می‌کند.^{۱۳} همچنین تعلیم در قرآن و سیره پیامبر و اهل‌بیت، مبنای تمامی آموزه‌های تربیتی و اخلاقی سوره علق است و محور رشد شناختی، اخلاقی و معنوی انسان را شکل می‌دهد. از این رو، می‌توان آن را اولین گام در مسیر کمال انسانی دانست و پایه تمام فرآیندهای تربیتی در سوره علق قلمداد کرد.

3-2. نقش تعلیم و تعلم در تربیت انسان از منظر آیات ابتدایی سوره علق

تعلیم و تربیت در منظومه معرفتی قرآن کریم، جایگاهی بی‌بدیل دارد. از آنجا که نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد، با فرمان «اقرأ» آغاز می‌شود، می‌توان گفت که اساس بعثت بر تعلیم و آگاهی استوار است. خداوند متعال در آیات ابتدایی سوره علق، سه بار از فعل «علم» استفاده می‌کند: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ

^۹ همان، ص ۱۲۵

^{۱۰} سیوطی، همان، ص ۱۲۸

^{۱۱} طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴۸

^{۱۲} نهج‌البلاغه، نامه ۳۳، ص ۱۵۰

^{۱۳} سیوطی، الجامع للعلوم والحکم، ص ۱۲۷

مِنْ عَلَيَّ / اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ / الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ / عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»^{۱۴}. تکرار این واژه، اهمیت محوری آموزش را در ساحت انسانی و تربیتی نمایان می‌سازد. نکته درخشان این آیات آن است که تعلیم را نه صرفاً ابزاری برای انتقال معلومات، بلکه نردبانی برای صعود انسانی و رسیدن به مقام عبودیت می‌داند. تعلیم در پرتو ربوبیت الهی و با تکیه بر نام «رب» انجام می‌گیرد، که خود نشان‌دهنده آن است که تربیت و رشد انسان، بی‌اتکا به تعلیم الهی، ممکن نیست. از همین روست که بسیاری از مفسران همچون علامه طباطبائی، تعلیم در این آیات را مقدمه‌ای برای تربیت می‌دانند.^{۱۵}

1-2. «اقرأ» به عنوان فرمان الهی و آغاز تربیت الهی

نخستین خطاب الهی در آغاز بعثت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرمانی است آسمانی برای «خواندن»؛ آن هم در زمانی که جامعه جاهلی از فرهنگ کتابت و علم تهی بود. واژه «اقرأ» که فعل امر از ریشه «قرأ» است، نه تنها ناظر به خواندن ظاهری بلکه متضمن تدبّر، تعقل و کشف معانی عمیق از آیات هستی و وحی الهی است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه می‌فرماید: «مراد از قرائت در اینجا، آغاز دریافت وحی الهی برای هدایت بشر است، نه صرف خواندن الفاظ»^{۱۶}. فرمان «اقرأ» نقطه آغاز سیر تربیتی انسان است؛ چراکه تعلیم بدون بیدارسازی فطرت و دعوت به تأمل، نتیجه‌ای جز تکرار طوطی‌وار نخواهد داشت. با دقت در تعبیر «باسم ربک» درمی‌یابیم که خواندن مطلوب در اینجا، نه برای دنیا و غرور علمی، بلکه برای شناخت ربوبیت الهی است. طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: «خداوند با این دستور، رسول خویش را به قرائتی فرا می‌خواند که سرآغاز دعوت به خدا و راه تربیت نفوس انسانی باشد»^{۱۷}. تربیت در اندیشه قرآنی، زمانی اصالت می‌یابد که همراه با تذکر، تفکر و خواندن در مسیر بندگی باشد. لذا در این آیات، تعلیم با عنوان «علم بالقلم» مطرح شده است تا نشان دهد آموزش صحیح، باید سامان‌یافته، هدفمند و با ابزار مناسب همراه باشد. به همین دلیل امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «الْعِلْمُ نَوْرٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ»^{۱۸}. این روایت، گویای آن است که تعلیم حقیقی، آغاز تحول درونی انسان و مقدمه‌ای برای تهذیب اخلاقی اوست. علاوه بر آن، بیان «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» نشان‌دهنده گستره نامحدود استعداد انسان برای رشد و ارتقاء علمی و معنوی است. خداوند منشأ همه علوم را خود معرفی می‌کند، و این خود تأکیدی است بر اینکه تعلیم، فقط آموختن دانش نیست بلکه فرآیند تعالی و تربیت نفس است. سید قطب در تفسیر *فی ظلال القرآن* می‌نویسد: «این آیات از عظمت قلم و تعلیم

^{۱۴} علق: ۲-۵

^{۱۵} طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۶

^{۱۶} طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۵

^{۱۷} طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۵

^{۱۸} کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱

یاد مرگ و آگاهی از بازگشت به خدا، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تهذیب نفس و اصلاح اخلاق انسان است. قرآن کریم بارها انسان را به یاد مرگ و زندگی پس از آن فراخوانده و این یادآوری را وسیله‌ای برای تنبه وجدان و هشیاری اخلاقی معرفی کرده است.^{۷۱} از منظر تربیتی، مرگ به مثابه قطعیت نهایی، انسان را از غفلت بیرون می‌آورد و او را به سوی اصلاح خود و بازسازی روح و اخلاق سوق می‌دهد. این آگاهی باعث می‌شود که انسان اعمال خود را بسنجند و از گناه و خلاف دوری گزینند.^{۷۲} امام علی(ع) در سخنان خود به کرات یاد مرگ را وسیله‌ای برای تزکیه نفس و جلوگیری از گناه معرفی کرده‌اند. ایشان فرموده‌اند: «یاد مرگ، بهترین آموزگار است و ترس از مرگ، بزرگ‌ترین عامل بازدارنده از خطا».^{۷۳} بازگشت به خدا، همراه با یاد مرگ، انسان را از هرگونه سستی و بی‌تفاوتی نسبت به تکالیف اخلاقی نجات می‌دهد و او را به «مراقبه» و «محاسبه» خویش وامی‌دارد. این تمرین‌های اخلاقی، ستون فقرات رشد و اصلاح فردی است.^{۷۴} همچنین، توجه مستمر به بازگشت به خدا و معاد، سبب می‌شود که انسان در برابر وسوسه‌های شیطانی و فشارهای اجتماعی مقاومت کند و پایبندی به اخلاق و ایمان را حفظ نماید.^{۷۵} به این ترتیب، یاد مرگ و بازگشت به خدا نه تنها به‌عنوان هشدار بلکه به‌عنوان یک راهکار مؤثر تربیتی و اخلاقی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت صالح و پایدار انسان ایفا می‌کند.

3-4. دعوت به بندگی و سجده به‌عنوان مسیر رشد اخلاقی

در آیات پایانی سوره علق، قرآن کریم به صورت مستقیم انسان را به سجده و تقرب به خداوند فرا می‌خواند: ﴿كَلَّا لَا تَطِعْهُ وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾.^{۷۶} این فراخوانی، در واقع دعوتی به بندگی خالصانه و ترک پیروی از طغیانگران و هواهای نفسانی است. سجده، نه فقط یک فعل عبادی، بلکه نماد نهایت تواضع، خضوع و انقیاد در برابر حق تعالی است که به واسطه آن، اخلاق انسانی رشد می‌یابد و راه کمال هموار می‌شود.^{۷۷} سجده به معنای تسلیم قلبی و عملی انسان در برابر خداوند است؛ عملی که موجب تطهیر نفس، کاهش غرور و خودخواهی و افزایش محبت و توکل می‌گردد. این عمل عبادی، نقش اساسی در اصلاح اخلاق دارد زیرا رابطه انسان با خالق را مستحکم می‌کند و زمینه‌ساز ارتقاء معنوی است.^{۷۸} تقرب به خدا، به معنای حرکت مستمر انسان در مسیر بندگی و اطاعت است که زمینه‌ساز رشد اخلاقی و تربیتی او می‌شود. این حرکت باعث می‌شود که انسان از

⁷¹ سعدی، گلستان سعدی، ص ۱۰۳؛ طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۰

⁷² مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۷۵

⁷³ نهج البلاغه، حکمت ۴۲

⁷⁴ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۰

⁷⁵ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲۲، ص ۶۰

⁷⁶ علق: ۱۹

⁷⁷ طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۳

⁷⁸ مطهری، انسان و اخلاق، ص ۱۵۰

خودمحوری خارج شده و در برابر دیگران، جامعه و خداوند مسئولیت‌پذیر گردد.^{۷۹} دعوت به سجده و تقرب در این آیات، پاسخ به طغیان و استغناء انسان است که پیش‌تر به آن اشاره شده بود. این نشان می‌دهد که درمان اخلاقی و تربیتی برای اصلاح نافرمانی و غرور، در تمکین و بندگی خداوند نهفته است؛ بندگی که زیربنای تمام فضائل اخلاقی است.^{۸۰} از منظر سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، سجده و توجه به خداوند همواره به عنوان راهکار برترین تربیت اخلاقی مورد تأکید بوده است. پیامبر گرامی (ص) در تمامی مراحل زندگی، به ویژه در سختی‌ها و موفقیت‌ها، به خداوند توکل و سجده می‌کرد و این رفتار الگوی عملی برای پیروان شد.^{۸۱} بنابراین، می‌توان گفت که دعوت قرآن در سوره علق به بندگی و سجده، راهکار جامع و کارآمدی برای اصلاح نفس و رشد اخلاقی است که ضمن تقویت رابطه انسان با خداوند، باعث تربیت و تزکیه نفس و تقویت روابط اجتماعی سالم می‌گردد و نهایتاً انسان را به کمال انسانی رهنمون می‌سازد.

4-4. مفهوم «قرب الهی» و نقش آن در خودسازی

«قرب الهی» در آموزه‌های قرآنی به معنای نزدیکی معنوی و نفسی انسان به خداوند است که بالاترین درجه کمال انسانی و رشد اخلاقی محسوب می‌شود. این مفهوم در سوره علق و به‌خصوص در آیه (وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ) به وضوح تجلی یافته است؛ زیرا سجده، نمادی است از خضوع و فروتنی که باعث تقرب انسان به حق تعالی می‌گردد.^{۸۲} از دیدگاه تربیتی، قرب الهی نتیجه مستمر تلاش انسان در ترک معاصی، انجام عبادات، و تهذیب نفس است که به شکل یک فرآیند تدریجی به دست می‌آید. این مسیر قرب، به انسان کمک می‌کند تا از تعلقات دنیوی رها شده و با پاکی و صفای باطن، به آرامش و رشد حقیقی دست یابد.^{۸۳} تقرب به خدا به عنوان یک هدف والای تربیتی، انسان را به سوی اخلاقی همچون صداقت، تواضع، عفو و بخشش هدایت می‌کند و زمینه‌ساز ارتباطات سالم و محبت‌آمیز در خانواده و جامعه می‌شود. این اخلاقیات که از درک قرب الهی ناشی می‌شوند، ستون‌های یک زندگی خانوادگی موفق و صمیمی را می‌سازند.^{۸۴} همچنین، قرب الهی موجب می‌شود که انسان نسبت به خود و دیگران با دیدی مثبت و پر از مهربانی رفتار کند؛ چراکه خودسازی و تزکیه نفس در پرتو این نزدیکی تحقق می‌یابد و از کینه‌توزی، لجاجت و خودمحوری جلوگیری می‌کند.^{۸۵} سیره معصومین علیهم السلام نیز تأکید فراوانی بر اهمیت قرب الهی داشته است. امام حسین (ع) در دعای عرفه می‌فرماید:

⁷⁹ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲۲، ص ۶۵

⁸⁰ فضل‌الله، من وحی القرآن، ج ۳۰، ص ۳۵۲

⁸¹ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۸۰

⁸² طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۴

⁸³ مطهری، معنای زندگی، ص ۱۲۵

⁸⁴ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲۲، ص ۶۸

⁸⁵ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵

«ای خدا! ما را به قرب خود نزدیک کن و از دوری خود برهان»^{۸۶}. این نگاه معطوف به قرب، اساس تمام تلاش‌های تربیتی و اخلاقی آنان بوده است. در نهایت، می‌توان گفت که قرب الهی نه تنها نقطه پایان بلکه آغاز یک زندگی پرمعنا و سرشار از آرامش است که سوره علق با دعوت به سجده و تقرب، مسیر رسیدن به آن را نشان داده و بدین ترتیب، راهکار نهایی اصلاح اخلاقی و تربیتی انسان را به تصویر کشیده است.

5-4. پیوند میان تواضع در برابر خدا و سلامت اخلاق فرد و جامعه

تواضع در برابر خداوند، یکی از ویژگی‌های بارز انسان‌های اخلاق‌مدار است که در قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم‌السلام بارها تأکید شده است. این تواضع، نشانه تسلیم و فروتنی در برابر قدرت و حکمت الهی است که ریشه بسیاری از فضایل اخلاقی به شمار می‌آید^{۸۷}. انسان متواضع در برابر خدا، از خودبینی، خودخواهی و غرور دوری می‌کند و این فضایل به طور طبیعی به روابط فردی و اجتماعی او نیز سرایت می‌کنند. تواضع، زمینه‌ساز محبت، گذشت و مدارا در خانواده و جامعه است که سلامت اخلاقی جمعی را تضمین می‌کند^{۸۸}. قرآن در آیه (وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ)^{۸۹} علاوه بر دعوت به سجده، به معنای دقیق آن یعنی تواضع و بندگی اشاره دارد که انسان را از پرتگاه طغیان نجات می‌دهد و او را به مدار اخلاق و انسانیت باز می‌گرداند^{۹۰}. سیره پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام سرشار از نمونه‌های بارز تواضع در برابر خداست؛ رفتارهایی که نه تنها زندگی فردی آنان را منظم و سالم کرده بلکه باعث سلامت و استحکام روابط خانوادگی و اجتماعی ایشان گردیده است^{۹۱}. این تواضع باعث می‌شود انسان به جای خودمحوری و تکبر، به دیگران توجه کند، اخلاق نیکو را پیشه سازد و جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و محبت شکل گیرد؛ جامعه‌ای که از آسیب‌های اخلاقی به دور است و انس و صمیمیت را در خانواده و اجتماع گسترش می‌دهد^{۹۱}. در نهایت، می‌توان گفت که پیوند تواضع در برابر خداوند با سلامت اخلاق فردی و اجتماعی، راهکاری عملی و کاربردی است که قرآن و عترت به آن تأکید دارند و تحقق آن، شرط اساسی برای صمیمیت و پایداری خانواده‌ها و جوامع انسانی است.

^{۸۶} کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۰

^{۸۷} طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۶

^{۸۸} مطهری، انسان کامل، ص ۱۱۰

^{۸۹} جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲۲، ص ۷۰

^{۹۰} کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۵

^{۹۱} محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۹۰

نتیجه‌گیری

سوره علق به‌عنوان نخستین وحی نازل‌شده بر پیامبر اسلام(ص)، گنجینه‌ای ژرف از معارف تربیتی و اخلاقی را در خود جای داده است. این سوره با فرمان «اقرأ» آغاز می‌گردد؛ فرمانی که نقطه شروع تعلیم و تربیت در مکتب الهی است و نشان می‌دهد مسیر انسان‌سازی از علم‌آموزی همراه با یاد خدا آغاز می‌شود. این آیات، علم را نه صرفاً ابزار فهم، بلکه ابزاری برای تربیت روح انسان می‌دانند، آن‌هم تعلیمی که منشأ آن «رب» است، نه صرفاً عقل بشری. بر این اساس، هرگونه تعلیم اصیل، باید بر محور ربوبیت الهی استوار گردد تا ثمره‌ای تربیتی در پی داشته باشد. در ادامه، سوره با اشاره به یکی از مهم‌ترین موانع تربیتی یعنی **طغیان ناشی از بی‌نیازی ظاهری**، هشدار می‌دهد که رشد علمی و اقتصادی اگر با تهذیب نفس و یاد خدا همراه نباشد، نه تنها سازنده نیست، بلکه به سقوط اخلاقی می‌انجامد. مفهوم «استغناء» در این سوره، نه صرفاً مالی، بلکه نوعی خودبینی و غفلت از نیازمندی وجودی انسان به خداوند است که طغیان را رقم می‌زند. چنین طغیانی، امری کاملاً تربیتی و روان‌شناختی است که امروزه نیز در جوامع مدرن قابل مشاهده است. در بخش پایانی سوره، با تأکید بر **بازگشت به خدا و دعوت به سجده و قرب الهی**، راه‌حل نهایی بحران‌های اخلاقی و تربیتی ارائه می‌شود. سوره با بیانی کوتاه اما بسیار عمیق، مسیر اصلاح و بازسازی اخلاقی را نه در توصیه‌های سطحی، بلکه در **عبودیت و خضوع قلبی در برابر پروردگار** می‌داند. از منظر این سوره، هرچه انسان به خدا نزدیک‌تر شود، از انانیت و خودمحوری دورتر می‌گردد و در نتیجه، شخصیت اخلاقی او شکوفا می‌شود. در مجموع، سوره علق با ساختاری کوتاه اما محتوایی بسیار عمیق، یک الگوی کامل تربیتی ارائه می‌دهد: آغاز با تعلیم ربانی، هشدار نسبت به آفت طغیان، و پایان با بازگشت به سوی خدای متعال. این سوره می‌تواند مبنای شکل‌گیری یک نظام تربیتی قرآنی باشد که در آن، رشد علمی، اخلاقی و معنوی در کنار یکدیگر تحقق یابد.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

1. ابن‌منظور، جمال‌الدین، **لسان‌العرب**، ج ۱۵، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۰.
2. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر تسنیم**، ج ۲۰، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۹۴ش، ص ۳۲۱.
3. حجتی، سیدجعفر، **تربیت در قرآن**، تهران: سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸.

4. حسینی، محمدهادی، رویکرد تربیتی قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۳ش، ص ۱۵۵.
5. ربانی گلپایگانی، علی، آیین تربیت در قرآن و نهج البلاغه، تهران: نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۹۷ش، ص ۱۴۲.
6. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز قرآن، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۲ش، ص ۱۷۰.
7. رضوی اردکانی، محمد، روش‌شناسی تربیت قرآنی، تهران: انتشارات پژوهشگاه قرآن و حدیث، چاپ اول، ۱۳۹۵ش، ص ۷۶.
8. سبحانی، جعفر، آموزش عقاید، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش، ص ۲۷۹.
9. سبحانی، جعفر، منشور تربیت اسلامی، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ص ۸۰.
10. شجاعی، محمدرضا، درآمدی بر اخلاق اسلامی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۴ش، ص ۸۹.
11. طباطبایی، محمدحسین، بدایة‌الحکمه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۲.
12. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۰۲ق، ص ۲۵۰.
13. طباطبایی، محمدحسین، قرآن در اسلام، قم: انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش، ص ۹۰.
14. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، تهران: نشر ناصر خسرو، چاپ دوم، ۱۳۷۲ش، ص ۵۲۱.
15. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، ج ۵، قم: انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق، ص ۶۷.
16. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۰، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ بیست‌وهشتم، ۱۳۹۹ش، ص ۶۷.
17. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش، ص ۲۷.
18. مطهری، مرتضی، آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام، تهران: صدرا، چاپ نهم، ۱۳۹۰ش، ص ۴۵.
19. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۲، قم: مؤسسه التمهید، چاپ اول، ۱۴۲۰ق، ص ۳۴۲.
20. یزدان‌پناه، ابوالفضل، تربیت در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۵.